

پراکندگی جغرافیایی صابئین در اهواز

نصراالله پورمحمدی املشی^۱؛ زهرا طاهری^۲

چکیده

اهواز در طول تاریخ شاهد هجوم و مهاجرت اقوام زیادی بوده است؛ اقوامی که همراه خود فرهنگ و زبان خاصی را به این منطقه آورده‌اند. یکی از این اقوام صابئین یا مندائیان هستند. مندائیان در واقع یکی از فرقه‌های یکتاپرستی بودند که از دوران قبل از اسلام تا به امروز در این منطقه حضور دارند و کلیه کتب مذهبی و آیینهای خود را با دقت پاس نگاه داشتند. صابئین قومی مهاجرند که از اورشلیم به سمت شرق مهاجرت کردند و بعد از سالهای طولانی به ایران رسیدند. در این پژوهش سعی بر آن است تا پراکندگی جغرافیایی قوم صابئین در اهواز مورد بررسی قرار گیرد. سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که صابئین چه مذهبی دارند و چرا اهواز را بعنوان محل سکونت خود انتخاب کرده‌اند؟ این نوشتار به روش تحلیلی و تاریخی فراهم آمده است و یافته‌های پژوهشی حکایت از آن دارند که صابئین که امروزه صبی خوانده میشوند از پیروان حضرت یحیی (ع) هستند که از زمان اشکانیان در ایران حضور داشتند و همچنین بعلت اینکه بیشتر مراسمات مذهبی آنها در کنار رودخانه‌ها صورت میگیرد، با توجه به جغرافیای اهواز و داشتن سد و رودخانه‌های فراوان، این شهر را بعنوان سکونتگاه خود قرار داده‌اند.

کلید واژگان: صابئین؛ جغرافیا؛ اهواز؛ مذهب؛ آداب و رسوم

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره)؛ poormohammadi@ikiu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای ایران اسلامی دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)؛

مقدمه

تا آنجا که در حافظه بشر محفوظ است، دین همواره در زندگی وی نقش مهمی را ایفا کرده است و بعبارت دیگر، میان انسان و اعتقاد به دین پیوندی ناگسستنی وجود داشته است. از اینرو، پرداختن به ادیان و تاریخ آنها، از دیر باز از اهمیت ویژه‌ی برخوردار بوده و تلاش شده تا تاریخ و چهره‌ی روشنی از ادیان گوناگون ارائه شود. ایران زمین از روزگاران کهن، دینهای بزرگی را در دامان خود پرورش داده است؛ بگونه‌ی که برخی از آنها دارای پیشینه‌ی چند هزار ساله بوده و همواره نقش مهمی را در حیات اجتماعی این سرزمین ایفا کرده‌اند. صابئین پیشینه‌ی بیش از دو هزار و پانصد ساله در ایران دارند. در جلگه‌ی خوزستان کنار رودخانه‌ی کارون در اهواز قومی هنرمند و صنعتگر زندگی میکنند که دارای خط و زبان و آداب و رسوم خاصی هستند و همواره توجه دین‌شناسان و اهل علم را به خود جلب کرده‌اند. اینان خود را صابئین مینامند. صابئین گروهی دینی هستند که ماهیت اصلی آن را ایمان به خداوند، جهان آخرت، تعمیم و شماری آداب و رسوم دیگر تشکیل میدهد و در قرآن در ردیف اهل کتاب یعنی یهودیان، زرتشتیان و مسیحیان از آنان یاد شده است. از آنجا که دین مندائیه‌ها یک دین تبشیری نیست و رجال دینی آنان نمیخواستند که اسرار آنها را دیگران بدانند، اطلاعات محققان تا این اواخر درباره‌ی آنها اندک بود و حتی تصور میشد که قوم صابئین منقرض شده‌اند تا اینکه در قرنهای اخیر با تماسها و رفت و آمدهای غربیها پرده از راز این قوم برداشته شد و بعضی از مستشرقین با مطالعه عمیق در دین مندائی و یادگیری زبان خاص آنها و مطالعه مستقیم کتب مقدسشان، مقالات و رسالاتی درباره‌ی این قوم نوشتند و حتی بعضی از کتب آنها را از زبان مندائی به زبان انگلیسی و یا آلمانی ترجمه کردند و نشر دادند. اهتمام اروپاییها به زبان مندائی از وقتی آغاز شد که نولدکه کتابی بنام *القواعد المندائیه* را در اواخر قرن نوزدهم منتشر کرد. پس از او مستشرقین کار وی را دنبال کردند. بدنبال این کار کسانی از خود مندائیه‌ها پیدا شدند و با یک سنت‌شکنی درباره‌ی عقائد و آداب و رسوم و زبان قوم خود کتاب نوشتند و اطلاعات گرانبھایی در اینباره بدست دادند؛ از جمله این کتب، میتوان به قوم *از یاد رفته* تألیف سلیم برنجی از مندائیان اهواز نام برد که کاوشی است درباره‌ی قوم صابئین مندائی و در سال ۱۳۶۸ هـ.ش منتشر شده است. همچنین *الصابئیه* تألیف غضبان رومی از مندائیان عراق در سال ۱۹۸۳ م. در بغداد منتشر شده است. هر دو کتاب اطلاعات مفیدی در مورد عقاید و آداب رسوم مندائیات بدست میدهند. از جمله کتب و مقالاتی هم که زمان حاضر در این زمینه به چاپ رسیده میتوان به صابئین راستین از عادل شیرالی و همچنین *مندائیان در ایران* از همین نویسنده و

بسیست مقاله از حسن تقی‌زاده اشاره کرد. به هر حال، کلیه این کتب به صابن و عقاید و تاریخ آنان پرداخته‌اند و در زمینه جغرافیای این قوم در اهواز تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است که این پژوهش سعی در بررسی جغرافیای انسانی صابن در اهواز دارد.

نگاهی به جغرافیای انسانی اهواز

خوزستان با پهنه‌یی حدود ۶۴ هزار و ۲۳۶ کیلومتر مربع، در جنوب باختری ایران و در شمال خلیج فارس قرار دارد. سرزمین خوزستان گذشته از جایگاه ویژه طبیعی و جغرافیایی و دارا بودن منابع سرشار زیرزمینی از لحاظ تاریخی نیز از کهنسالترین استانهای ایران بشمار میرود. در دوران ایلامیان، در نزدیکی شهر اهواز کنونی، شهری بنام «اوکسین» وجود داشته که با اهواز برابری میکرده است. این شهر ایلامی بمرور زمان خراب شده و در دوران اشکانی بار دیگر بنا شده است. پس از آن ویران شده و اردشیر بابکان آن را از نو ساخته است. شهر باستانی اهواز که شهر اهواز کنونی بجای آن ایجاد شده است، در روزگار ساسانیان «هرمزاردشیر» و «هوجستان» و «اجار» بمعنی خوزستان بازار نامیده میشده است (افشار سیستانی، ۱۳۸۰: ۵۶).

نگارنده حدود العالم، از منطقه مورد گفتگو بنام «خوزستان» یاد کرده است: «اهواز شهری است سخت خرم و اندر خوزستان شهری نیست از این خرمتر با نعمتهای بسیار و نهادی نیکوی». در معجم البلدان، تقویم البلدان، احسن التقاسیم نیز واژه خوزستان به جای اهواز نگاشته شده است. حمزه اصفهانی، نویسنده تاریخ پیامبران و شاهان مینویسد: «هرمزاردشیر نیز نام دو شهر است که اردشیر به هنگام تعیین حدود آنها، هر یک را به نام مرکب از نام خود و خدای عزوجل نامید و در یکی بازاریان و در دیگری بزرگان و اشراف را سکونت داد (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۷۳۱). اهواز با وسعت زیاد خود همواره در تاریخ یکی از زیستگاههای اقوام مختلف بوده است. نژاد و سکنه خوزستان و مرکز آن یعنی اهواز اصالتاً ایرانی و پارت بوده‌اند که بمرور زمان دلیل کوچ مردم مختلف نژادهای جدید به این ناحیه وارد شد. نژاد به‌های ساکن اهواز اقوام و اقلیتهایی هستند که بعد از آمدن آریاییها به سرزمین ایلام به این منطقه کوچ کردند و با اقوام اولیه ساکن در منطقه ممزوج شدند. این نژادها متشکل از فارس، لر و عرب بوده است. نواحی شمال را اکثراً لرهای بختیاری پوشش میدهند، در نواحی جنوب و غرب اعراب حضور دارند و در دیگر مناطق فارس‌زبانان ساکن هستند (سازمان مدیریت و برنامه خوزستان، ۱۳۶۷: ۳).

صابئین چه کسانی هستند

صابئین مندائی از دو کلمه صابئین و مندائی ترکیب یافته است؛ صابئین از واژه صبا ریشه‌ی آرامی و بمعنای فرو رفتن و غسل کردن در آب جاری است و بر گروهی از مردم سامی نژاد که در آبهای روان غسل تعمید بجای می‌آوردند اطلاق می‌شود. صابئین در واقع آرامی هستند. اقوام آرامی به کسانی گفته می‌شود که فرزندان آرام بن سام بن نوح باشند (Holy, 1970: 10/5)، درباره تاریخ پیدایش صابئین مندایی دو دسته منبع و مأخذ صابئی و غیرصابئی در دست نیست. شماری بر این باورند که اینان ستاره پرستانند که از راه راست خارج شده و به طریقت دیگری در آمده‌اند. برخی هم معتقدند که این دین ریشه مشخصی ندارند و از آمیزش ادیان دیگر پدید آمده است (ابوالفداء، ۱۳۵۷: ۱۰۲-۱۳۳). عده‌ی در باب ماهیت صابئین آورده‌اند که صابئین کسانی هستند که از دین یهود و مسیحیت خارج شدند و به پرستش فرشتگان پرداختند (زمخشری، بی تا: ۱/۷۳). عده‌ی دیگر از مفسران گفته‌اند صابئین کسانی هستند که دینی را که به آن مکلف شده ترک کرده‌اند و شریعت جدیدی را برگزیده‌اند؛ یعنی از دینی که داشتند خارج شده و به دین تازه‌ی همچون پرستش ستارگان یا ملائکه روی آوردند. طبری آنان را یکتا پرستانی میدانند که به پیامبر ایمان ندارند (طبری، ۱۴۲۶، ۱/۳۱۹). مفسران در اینکه واژه صابئین از زبان عربی و اثبات دعوی خویش است آورده‌اند که چون پیامبر (ص) و اصحابش از آیین کفر آمیز اعراب جاهلی روی بر گردانیدند، از سوی برخی مشرکان و اعراب الصابئین یا الصابئون خوانده شدند (طبرسی، بی تا: ۱/۲۸۱).

در بررسی تاریخی درباره اصل و منشأ صابئین راستین به قومی برمیخوریم که از آنان بعنوان مندائیان^۱ یا صابئین یاد میشود. صابئین یا مندائیان گروهی از اقوام سامی نژادند و محل اصلی ظهورشان در فلسطین و اطراف رودخانه اردن بوده است و پس از هجرت از آنجا در ناحیه بین‌النهرین، در جنوب عراق و نیز در ایران در کنار رودخانه‌های پر آب و مشهور مانند دجله و فرات و کارون سکنا گزیده‌اند (شیرالی، ۱۳۸۸: ۳۰). زبان این قوم، مندائی، یکی از شعبه‌های زبان آرامی- شرقی است. از نظر اعتقادی، خداپرست و معتقد به جهان آخرتند. اساس این دین بر تعمید در آب جاری است و به همین دلیل است که همیشه در کنار آب زندگی میکنند. قبله آنان رو به شمال و کتاب آنان گنزاربا^۲ نام دارد. البته ما در اینجا در پی آن نیستیم که تاریخچه کامل مندائیان را بازگو کنیم؛ چرا که مجال پرداختن به چنین بحثی نیست. مندائیان از اقوام سامی

1. mandaeans
2. ganzaraba

نژاد و آرامی به کسانی اطلاق میشوند که از فرزندان آرام هستند و او فرزند سام بن نوح است. ما از محل سکونت اصلی مندائیان اطلاعات دقیقی در دست نداریم، اما با تکیه بر اطلاعاتی که در منابع مندائیان یافت میشود و بر اساس سایر شواهد و قرائن در پی آن هستیم که تصویر روشنی از گذشته مندائیان بدست دهیم. در برخی از منابع مندائیان مانند کتاب *گنزاربا*، تعالیم مسیحی تأکید خاصی بر اورشلیم دیده میشود که نشان از وابستگی مندائیان و تعلق خاطر آنان به این شهر دارد (شیرالی، ۱۳۸۸: ۳۲). طبری در تفسیر خود در مورد صابئین اقوام مختلفی را بیان میکند و میگوید: «صابئین دینی از ادیان هستند که در جزیره موصل عراق سکونت دارند، به خدای واحد اقرار میکنند و به پیامبر اسلام (ص) ایمان ندارند» (طبری، ۱۴۲۶: ۱/۳۱۹). قرطبی درباره صابئین مینویسد: «آنچه درباره دین صابئین بدست آوردیم.. و آنچه که بعضی از بزرگان ما نقل کرده‌اند، اینان موحدند، اما اعتقاد دارند که ستارگان در جهان تأثیرگذارند» (القرطبی، ۱۴۰۵: ۱/۴۳۴). صابئین قومی هستند که در قسمتهایی از سرزمین عراق و خوزستان ایران زندگی میکنند و به نام مندائی معروفند و برای خود اعتقادات و آداب و رسوم و زبان خاصی دارند. نخستین گزارشی که در کتب اسلامی از این گروه آمده گزارش ابن ندیم است که از آنها با نام *مغتسله* و صابئین بطائح یاد میکند و چیزهایی به آنها نسبت میدهد. که در اعتقاد مندائیهایی کنونی موجود است؛ مانند مراسم شستشوی مداوم آنها که به همین جهت به *مغتسله* معروفند و اینکه آنها در بطائح زندگی میکنند و بطائح که بمعنای سیل پهناور است به جنوب عراق، میان واسط و بصره و نیز دشت میشان گفته میشود که دقیقاً محل سکونت مندائیهاست (ابن ندیم، ۱۹۹۴: ۴۹۱). مسعودی در جایی صابئین را به دو گروه تقسیم میکند: حرانی و کیماری و نیز میگویند: «این گروه از صابئین با صابئین حرانی در نخله‌شان فرق دارند و سرزمین آنها میان بلاد واسط و بصره از سرزمین عراق به طرف بطائح و نیزارهاست» (مسعودی، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۱).

پراکندگی جغرافیایی صبئها در ایران

از مهاجرت صابئین مندائی به ایران بیش از دو هزار و پانصد سال میگذرد. پیشینه حضور آنان در ایران چنان طولانی است که هیچ‌کس در ایران به بودن آنان شک و شبهه‌یی ندارد. همانگونه که خاستگاه آنان در اطراف رودخانه‌های روان بوده، امروز نیز این شیوه زندگی ادامه یافته و اسکان در کنار آب جاری همواره جزئی از حیات دینی آنان بشمار میرود. درباره مناطقی که صابئین در آنجا استقرار یافته‌اند، کم و بیش اطلاعاتی بدست پژوهشگران رسیده است و تا

حدی نواحی مسکونی آنان را نام برده‌اند. اگر چه اخبار بسیاری درباره ماهیت و حیات دینی آنها در دست نیست، اما میتوان تا حدودی مکان استقرارشان را تعیین کرد. نخستین آثاری که میتوان براساس آنها اطلاعاتی از حضور صابئین در ایران بدست آورد، سکه‌های پرشماری است که نوشته‌های مندائیان بر آنها ضرب شده است. این سکه‌ها که متعلق به سالهای ۱۲۸ و ۱۳۸ م است در دشت میشان استان خوزستان بدست آمده و از حضور ایشان در این ناحیه خبر میدهد (تقی‌زاده، ۱۳۴۶: ۵۱۲) ابن‌ندیم در الفهرست از صابئین مندائی با اصطلاح «صابئنه‌البطائح» یعنی کسانی که در اطراف جلگه‌ها در دشتها سکنا دارند، یاد میکند که جمعیت پرشماری را تشکیل میدادند (ابن‌ندیم، ۱۹۹۴: ۴۱۴). بوریحان بیرونی میگوید آنان در نواحی اطراف عراق که آب فراوان یافت میشد بسر میبردند و در جاهای مختلفی پراکنده شده بودند. وی پدید آمدن نوروز را همزمان تهمورث با ظهور صابئه همزمان میداند (بیرونی، ۱۳۸۰: ۸۲۳). صابئین از عراق به ایران مهاجرت کردند. آنان برای انتخاب ایران بعنوان محل حیات و زندگی، دلایل فراوانی داشتند و گزینشی بر اساس آگاهی و بینش در این انتخاب مشاهده میشود، نه اینکه تنها بر اثر فشار و یا ناچاری به چنین اقدامی دست زده باشند. صابئین در پی مکانی بودند که نیازهای زیستی، دینی، سیاسی آنان را تأمین کند. رودخانه‌ها و نهرهای پر آب و جاری و مکانی که از نظر عقیدتی آزاد باشند و تحت فشار و آزار و اذیت کسی قرار نگیرند. تمامی این شرایط و ویژگیها در بین‌النهرین و نزد حاکمان ایران فراهم بود. از اینرو انتخاب بین‌النهرین بعنوان محل سکونت هنگامی که تحت استیلای پارتیان بود، نمیتوانست بدون دلیل باشد (شیرالی، ۱۳۸۸: ۲۰). منطقه بین‌النهرین از سده دوم قبل از میلاد تا پایان سده هفتم ناحیه‌ی ایرانی‌نشین بوده و همواره در اختیار ایرانیان و اقوام ایرانی قرار داشت. طی سالهای ۵۱ تا ۸۱ م، که بیشتر احتمال میرود تاریخ ورود صابئین از اورشلیم به ایران باشد، بلاش اول، پادشاه اشکانی، بر ایران حکومت داشت (دوبواز، ۱۳۴۳: ۱۳۳) یهودیان دست‌کم از سده ششم قبل از میلادی در نواحی رودخانه دجله و فرات سکنا داشتند و شهر بابل یکی از مکانهای مهم استقرار آنان بشمار میرفت. مسیحیان نیز سالهای بسیاری این نواحی را بعنوان زیستگاه خود انتخاب کرده بودند. ناحیه بین‌النهرین افزون بر جایگاه سیاسی و فرهنگی، مرکز سیاسی - تجاری مهمی نیز بشمار میرفت و بازرگانان و تاجران پر شماری از کشورهای همچون چین در آنجا به تجارت مشغول بودند. وجود چنین مکان مساعدی از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، زمینه مطلوبی را برای مهاجرت صابئین به منطقه بین‌النهرین فراهم ساخت تا آنجا را بعنوان محل سکونی اختیار کنند (شیرالی، ۱۳۸۸: ۲۲-۲۱). صابئین ایران از

سال ۱۳۴۹ برای انجام امورات مختلف خود اقدام به تأسیس انجمن صابئین کردند و تنها نهادی که متولی امور صابئین بود، انجمن صابئین مندائی است. انجمن در سال ۱۳۴۹ توسط شخصی به نام شیخ سالم صابوری بنا نهاده شد و در سال ۱۳۵۹ با اساسنامه‌یی در چهار فصل و ۲۴ ماده مجوز تأسیس و فعالیت گرفت (دبستانی، ۱۳۸۳: ۲۱). از وظایف انجمن میتوان به پرداختن به کارهای علمی و آموزشی و برگزاری کلاسهای آموزشی تدریس زبان مندائی و رسیدگی به امورات اجتماعی و ارتباطات مندائیان با مؤسسات دولتی موجود در کشور اشاره کرد (شیرالی، ۱۳۸۸: ۲۹). شکل زندگی فعلی مندائیان، هم مندائیان عراق و هم مندائیان ایران از نظر گروهی به دسته‌هایی تقسیم میشوند. این دسته‌های قومی و گروهی به اصطلاح مردم جنوب ایران طایفه و یا عشیره نام دارند. به احتمال قوی این شیوه زندگی متأثر از همسایگان آنان یعنی مردم عرب زبان ساکن در جنوب عراق و ایران است. بعضی از طوایف مندائی عبارتند از: مندوی، آلبوز هرون، خمیسی، خفاجی، برنجی، صابوری، طاوسی، برکات (سبھانی، ۲۰۰۶: ۲۷۲). مندائیان بدلیل اینکه در قانون اساسی ایران جزو اهل کتاب بحساب نمی‌آیند، اجازه تأسیس مدرسه و آموزش عقاید و زبان و خط را بصورت رسمی ندارند و مانند کلیمیان و مسیحیان مدرسه‌یی ندارند و فرزندان مندائی مانند سایرین در مدارس شرکت میکنند و مشغول تحصیل هستند (شیرالی، ۱۳۸۸: ۲۹).

تأثیر محیط جغرافیایی اهواز بر سکونت صابئین

مندائیان برای برپایی آیینهای خود بخصوص تعمید، نیاز به آب دارند و به همین دلیل، از قدیم‌الایام در کنار آب زیسته‌اند. در حال حاضر مرکز اصلی تجمع آنان در ایران در استان خوزستان است و شهر اهواز بیشترین حجم جمعیت مندائی را در خود جای داده است. آنان در اهواز در جاهایی یافت میشوند که براحتی به رودخانه کارون دسترسی میسر باشد و برای رفتن به رودخانه سختی چندانی را متحمل نشوند. با توجه به جمعیتی که در اهواز و سایر شهرهای خوزستان و نقاط دیگر ایران ساکن هستند، میتوان گفت تعداد مندائیان در ایران حدوداً بالغ بر بیست هزار نفر تخمین زده میشود. لازم بذکر است تعدادی از مندائیان ایران بنا بر دلایلی بعد از انقلاب اسلامی که یکی از عوامل آن جنگ تحمیلی بوده است، از ایران به نقاط مختلف دنیا مهاجرت کرده‌اند. با توجه به اینکه عده زیادی از مندائیان ایران و عراق به استرالیا مهاجرت کرده‌اند، امروزه استرالیا به یکی از کشورهای محل تجمع مندائیان تبدیل شده است. در استرالیا چون آب جاری وجود دارد و به مندائیان امکانات لازم داده شده است، به همین دلیل بعنوان کشوری برای مهاجرت توسط صابئین

انتخاب شده است (شیرالی، ۱۳۸۸: ۲۷). به تازگی کاسه‌های سفالی که به زبان صابئین خطوطی بر آنها منقوش است، در شهر شوشتر در استان خوزستان بدست آمده که پیشینه آنها به سده پنجم تا هفتم هجری قمری بازمیگردد و نشان می‌دهند که یکی از مکانهای استقرار صابئین شوشتر بوده است (همان: ۲۳). قریب به ۹۵٪ صابئین ایران از دیر زمان تا به امروز برای دستیابی به آب جاری در جنوب ایران سکنا داشته‌اند. اهواز یکی دیگر از انگیزه‌های ورود صابئین به ایران و حضور پرشماری از اقوام آرامی در ناحیه بین‌النهرین است. رواج خط و زبان آرامی در منطقه دلیلی بر این مدعاست؛ حتی آرامیان توانسته بودند در سده نخست قبل از میلاد حکومت کوچکی را در کنار رود فرات تأسیس کنند (برونر، ۱۳۸۱: ۱۵۹). صابئین ایران به دو زبان فارسی و عربی صحبت می‌کنند؛ اگرچه متون دینی و شعائر آنان، به همان زبان اصلی است و تنها روحانیون و برخی از مردم قادر به صحبت به زبان مندائی هستند. در واقع مجاورت آنان با سایر اقوام بر زبان آنان تأثیر داشته است (Neusner, 1982:57).

عقاید و آداب رسوم صابئین

هر چند که در کتب گوناگون عقاید مختلفی مانند بت پرستی و ستاره پرستی و فرشته پرستی به صابئین نسبت داده شده، ولی صابئین مندائی خود را از چنین نسبت‌هایی به دور میدانند و موحد و خداپرست معرفی می‌کنند. صابئین در برگزاری مراسم مذهبی و انجام شعائر دینی خود بر پایه مجموعه‌یی از احکام و فرامین دینی عمل می‌کنند و اینگونه رسم‌های کهن بازمانده را همچنان بجای می‌آورند. غسل تعمید، جشنهای مذهبی، آداب مربوط به تدفین مردگان، آداب نیایش و ستایش در مجموعه نماز و روزه، از جمله این رسم‌هاست. بعضی از مفسران بر این باورند که قوم صابئی پیروان یوحنا از اصحاب حضرت عیسی (ع) میباشند. عده‌یی هم معتقدند که این قوم از بنی اسرائیل بوده ولی به عیسی (ع) اعتقاد نداشته‌اند بلکه به یحیی روی آوردند و وی را مقتدای خود دانستند (چاردهی، ۱۳۶۲: ۱۸). حضرت یحیی (ع) سعی زیادی میکرد که قوم خود را از طریق موعظه‌های اخلاقی راهنمایی کند، به همین سبب، در باب اکثر صفات اخلاقی سخن میگفت و علاوه بر تذکرات شفاهی با عمل و رفتار خود پیروان خویش را به دوری از رذایل اخلاقی و انجام خوبیها ترغیب میکرد. کتاب مقدس مندائیان از زهد و تقوای او به خوبی یاد میکند (bailey, 1983:908). آنان در دوره اسلامی، مدتی خود را متمسک به حضرت علی (ع) کردند تا از فرقه‌های اسلامی بشمار آیند (چهاردهی، ۱۳۶۲: ۱۸). بعضی از منابع بر این باورند که صابئه

از مسیحیت قدیمتر است و مرکز آن فلسطین میباشد و بعدها به بین‌النهرین کوچ کرده‌اند (رامیار، ۱۳۴۷: ۱۶۲-۱۶۱). تأثیر صابئین از تعالیم یهودی و مسیحی و زردشتیان زیاد است و برخلاف برخی از منابع که معتقدند آنان با زرتشت مخالفند، با دین زرتشت چندان اختلافی نداشته‌اند و حتی برخی عقاید آنان مانند گاه‌شماری با زردشتیان برابر است (تقی‌زاده، ۱۳۴۶: ۴۵۲). ابوریحان در جایی که از نوروز مینویسد، می‌گوید: «دلیل آن بود که در ایام تهمورث، صابئه آشکار شدند» (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۲۷). در اینجا منظور از دین صابئه، دین زردشت بوده است. غضبان رومی که خود از صابئین مندائی است در اینباره می‌گوید:

دین صابئین هرگز یک دین و ثنی نیست بلکه دینی است که به خدای زنده رزاق ازلی و به روز قیامت معتقد است و اعتقاد آنها به خداوندی که شریک ندارد، مانند اعتقاد ادیان توحیدی دیگر است و صابئین، ستارگان را تعظیم نمیکنند و اینکه آنها را متهم به کفر و پرستش ستارگان کرده‌اند به سبب اشتباه میان آنها و بعضی از اصناف دیگر صابئین که فرقه‌های متعددی هستند، بوده است و این بنظر من ناشی از چند چیز است: یکی اینکه آنها گوشه‌گیرند و هیچکس از پیروان ادیان دیگر را در دین خود نمیپذیرند. دوم اینکه قبله آنها به طرف شمال است آنجا که ستاره قطبی در آنجاست، چون شمال بعقیده آنها دری از درهای بهشت است. سوم اینکه آنها در صدد نیستند اتهامات وارد بر خود را پاسخ بگویند، چون از درگیری پرهیز دارند و چهارم اینکه علمای آنها از نظر فرهنگی عقب افتاده هستند. تشابه بعضی از شعائر آنها با بعضی از شعائر مجوسی یا یهودی یا مسیحی یا اسلامی یا هندی یک امر طبیعی است، چون آنها همواره در مجاورت این ادیان زندگی کرده‌اند و از اینرو احتمالاً از آنها متأثر شده‌اند. به هر حال دین صابئین خلاصه میشود در اینکه آنها به خدا و روز قیامت و حساب و عقاب عقیده دارند و اینکه صالحان پس از مرگ به عالم انوار میروند (رومی، ۱۹۸۳: ۲۷-۲۶).

مندائیان درباره خلقت آدم عقایدی مشابه با ادیان توحیدی دارند. عقیده آنها درباره آفرینش نخستین انسان بر روی زمین مطابق آنچه که سلیم برنجی با استفاده از دو کتاب کنز‌الربا و دراشا ادیهیا نقل کرده چنین است:

و خداوند اراده فرمود تا بشر را خلق نماید، پس روح آدمی را که در عالم انوار ساکن بود احضار نمود و به او فرمود که ای نشسته (روح)! تو بر زمین فرو خواهی آمد و در جسمی که اجزاء آن از گل درست شده است داخل خواهی شد و بر روی زمین به زندگی خواهی پرداخت. اما روح آدمی مخالفت کرد و گفت: زمین پر از زشتیهاست پس من چگونه به زمین وارد شوم و در آن زندگی نمایم من حتی در مقابل زشتیها و ناپاکیهای زمین سلاحی هم ندارم و خداوند بزرگ به آدمی فرمود که با سلاح ایمانت

همه چیز را به زیر فرمان خود در آور و روح آدمی با این حرفها متقاعد شد و فرمان حضرت حق را لیبیک گفت. پس خداوند بزرگ به "ملکا اپناهیل" فرشته سازنده پیکر انسان از گل، دستور داد تا بر زمین فرود آمده و از گل، بدن آدمی را ساخته و آماده نماید و او نیز اینچنین کرد؛ یعنی بدستور خداوند بر زمین فرود آمد و بدن آدمی را از گل ساخت و آنگاه روح آدمی در چهارصد و چهل و پنج روز و سیصد و پنجاه و شش سال پیش به فرمان خداوند در درون آن پیکر رخنه کرده و جای گرفت و در حقیقت روح آدم بر زمین هبوط کرد و اولین نقطه فرود روح یا "نمیشته" آدمی بر روی زمین را کتب مقدسه مندائی محلی به نام (سراندیب) دانسته‌اند (برنجی، ۱۳۶۷: ۵۳).

آنان بر این باورند که دینشان بوسیله "جهان نور" و توسط حضرت آدم (ع) بر روی زمین بنیان نهاده شده و آنگاه بوسیله او و ذریه‌اش در عالم گسترش یافته است و در واقع تاریخ شروع این قوم با هبوط آدم آغاز میشود (Foerster, 1974:190-194).

بعقیده مندائیه تاکنون بارها نسل بشر از بین رفته و تنها یک زن و یک مرد مانده و مجدداً نسل بشر از آنها ازدیاد یافته است و نسل کنونی نیز هنگامی که شر و فساد روی زمین را ببوشاند بوسیله باد و طوفان نابود خواهد شد و زمین در آتش خواهد سوخت و تنها یک زن و یک مرد باقی خواهد ماند و دوباره از وجود آنها فرزندان خواهد آمد و این با خیر و صلاح و تقوی زندگی خواهد کرد (رومی، ۱۹۸۳: ۱۸۸). مندائیان برای آرمزش اموات خود مراسمی به نام «لوفانی» دارند؛ در این مراسم غذایی تهیه شده و به فقرا و بیچارگان داده میشود. آنها معتقدند که با این کار گرسنگان را سیر میکنند، خداوند را خشنود کرده و باعث خواهند شد که خدا روح متوفی را ببخشاید (برنجی، ۱۳۶۷: ۲۹۱). آنان به دو عالم بهشت و جهنم معتقدند؛ از بهشت با نام "آلمادنه‌ورا" و از جهنم با واژه "آلمادهشوخا" نام میبرند (Drower, 2002:20). "آلمادنه‌ورا" به جهان روشنایی و عالم نور هم ترجمه میشود و "هشوخا" نیز بمعنای تاریکی و عالم تاریکی است (Macuch, 1987:11.19.142).

مراسم تعمید

یکی از مراسم بسیار مهم مندائیان، مراسم تعمید است که به آن "مصوتا" گفته میشود و هیچ کس صابئی نمیشود مگر اینکه تعمید گردد و نام مخصوص مذهبی به خود بگیرد. هر فرد صابئی باید

دست‌کم در سال یک مرتبه تعمید شود تا بتواند واجبات دینی خود را انجام دهد. از اینرو باید گفت اساس شریعت مندائی بر تعمید بنا شده است. البته تعمید در سایر ادیان نیز ریشه دارد و بحث تازه‌یی نیست (Michelinesln, 1987: 11). تعمید عبارت است از شستشوی در آب که طی مراسم ویژه‌یی و با اذکار مخصوصی انجام می‌گیرد. مندائیان خود را در این مراسم تشبیه به یحیی تعمیددهنده می‌کنند. سید عبدالرزاق حسنی که درباره صابئین مندائی مطالبی دارد، معتقد است که هر نوع شستشویی که مندائیان انجام می‌دهند، تعمید است (حسنی، ۱۳۵۰: ۵۵). در حالی که با مراجعه به کتب مندائی معلوم می‌شود که تعمید شستشوی مخصوصی است که پس از ولادت نوزاد و نیز در مراسم عقد عروسی و در اعیاد بخصوص انجام می‌گیرد و وجود تعمیددهنده و خواندن اذکار مخصوص و پوشیدن لباسهای معین در این مراسم لازم است. سلیم برنجی چگونگی تعمید مندائیان را بتفصیل آورده است و خلاصه آن چنین است:

شخص تعمیدشونده لباس رسمی و مذهبی را که از پارچه سفید نخی است میپوشد و در کنار رودخانه یک نفر روحانی مندائی لباسهای آن شخص را واری می‌کند و رو به شمال که قبله مندائیان است می‌ایستد و با آوردن نام خدا شروع به خواندن «بوته»های مربوط می‌کند و شاخه یاس را که در دست دارد بصورت حلقه درمی‌آورد و پس از اطمینان از درست پوشیدن لباس مخصوص، نام دینی شخص را میپرسد و سپس دعاهایی را در جهت آمرزش روح او از طرف خداوند میخواند و آنگاه عالم روحانی همراه با شخص تعمیدشونده وارد رودخانه میشوند و تعمیدشونده دعاهایی را میخواند و سپس رو به شمال در آب مینشیند تا آب به سینه‌اش برسد و دعای مخصوصی میخواند و در آب فرو میرود و این عمل را سه بار تکرار می‌کند و عالم روحانی نیز بر روی او آب میپاشد و پس از خواندن دعایی، روحانی با دست راست خود آب را بر میدارد و تعمیدشونده از آن میخورد و دعای دیگری میخواند و بالأخره از آب بیرون آمده و بر روی سنگی مینشیند و روحانی نیز از آب بیرون آمده و دعاهای مخصوص را میخواند (برنجی، ۱۳۶۷: ۱۹۲-۱۸۶).

مندائیان برای اجرای مراسم تعمید و سایر عبادتها محل مخصوصی دارند که عبادتگاه آنها محسوب میشوند. آنها به این عبادتگاه در اصطلاح خود «مندی» میگویند. مندی یا خانه عبادت که در نصوص مندائی «مندا» یا «مشکنه» خوانده میشود، از نشانه‌های بارز مندائیان در عصر حاضر است. گویا پیش از حضرت یحیی (ع) مندی از بلور بوده، ولی اکنون از نی و گل ساخته میشود و همیشه در کنار آب جاری قرار دارد تا در درون آن آب جاری روان باشد و در آن تعمید کنند. معمولاً مندی را طوری درست میکنند که کسی که وارد آن میشود، رو به ستاره قطبی باشد؛

همان ستاره‌یی که مندائیان در حال گزاردن نماز بسوی آن می‌ایستند و آن را قبله قرار می‌دهند (دراور، ۱۹۶۹: ۱۱۹). دین صابئه تقریباً یک دین کاملاً شخصی و خصوصی است و معتقدند پیامبرش فقط برای نجات آنها فرستاده شده است و همینطور از آنجا که بیشتر آنان در انزوا و عدم آمیزش با سایر مردم در کنار رودخانه‌ها و دریاها و بطور کلی نیز از زندگی می‌کنند، این آیین را در اختفا نگه داشته‌اند و کمتر به تبلیغ آن پرداخته‌اند، به همین خاطر، شرح مفصلی از اعتقادات آنها در دسترس نیست (نوری، ۱۳۶۰: ۴۱۷). خوارزمی در کتاب *مفاتیح العلوم صابئه* را فرقه‌یی از نصارا و باقی شمینه در هند و چین می‌داند (خوارزمی، بی تا: ۳۶). یعقوبی تاریخ‌نویس، از گروهی ستاره، ماه و خورشیدپرست در بلخ با نام صابئه یاد کرده است (تاریخ یعقوبی، ۱۹۸۸: ۱/۱۸۳). از جمله اعتقادات صابیان، خواندن سه بار نماز در صبح و ظهر و شب می‌باشد. نماز را بسمت قطب شمال می‌خواندند که شبیه به مانویان است (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۹۶). از آنجا که مذهب صبی از مانوی قدیمتر است، این شباهتها نشانه نفوذ آیین صابی در آیین مانوی می‌باشد. ابن عبری درباره صابئه می‌نویسد: "آنان کواکب را نماز تطوع می‌خوانند. ایام روزه گوشت نمی‌خورند و هر ماه چهار قربانی می‌کردند که به نام ستارگان، از خروس و خون آن در گور کرده و پر و استخوانش را بسوزانند. گوشت شتر و کبوتر و ماهی هم نمی‌خورند" (ابن عبری، ۱۳۶۴: ۲۱۷). بیرونی در قرن پنجم درباره عقاید صابئیان نوشته است:

صابئه قومی هستند که خدا را یگانه می‌دانند و از قبایح تنزیه می‌کنند. خدا را به اسماء حسنی می‌خوانند ولی به طریق مجاز، زیرا نزد آنها صفتی وجود ندارد. از آثار ایشان قبه‌یی در بالای محراب دمشق [است] و در ایامی که یونانیان و روم بر دین آنها غلبه کردند و از برای خود کلیسا ساختند و تا آن زمان که اسلام شد و مسلمانان آن مکان را مسجد کردند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۹۵). از دیگر اعتقادات آنها رعایت حرمت و احترام روز شنبه است که اموری را در این روز مراعات مینمایند. زندگی ایشان را بی‌آلایش توصیف کرده‌اند و لباس آنان از کتان سفید و پاکیزه و کارشان کشاورزی بوده است. مال، خانه و غذا اشتراکی داشتند و با آراء افلاطون موافق بوده و خزانه عمومی داشتند. آنان به تزکیه و تصفیة نفس بسیار معتقد بودند و در برابر شیاطین به خدا اعتقاد داشتند (علوی، ۱۳۴۲: ۳۰۰). قفطی این قوم را ستاره‌پرست و منسوب به صاب بن ادریس دانسته و قوم صابئه بعقیده وی تابع شریعت حضرت ادریس بوده‌اند (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۳). ازدواج یکی از سنن بسیار مهم در میان مندائیان است و در کتب مندائی تأکید فراوان در باب آن بچشم می‌خورد و این امر نشان‌دهنده اهمیت همسرگزینی قوم مندائی است. در هیچ جایی از سنت و یا

کتب دینی احکام تجرد و تنها زیستن سفارش نشده، بلکه ازدواج امری است که موجب بقای نسل بشمار می‌آید (Desmost, 1956:175). اگر کسی از مندائیان با غیر مندائی ازدواج کند، از دسته مندائیان خارج می‌شود. کسانی که قصد ازدواج دارند باید دقت کنند که همسرشان از نظر جسمی سالم باشد. طلاق در میان مندائیان وجود ندارد و برای جدا شدن از هم مراسم خاصی انجام نمی‌دهند. پس از سپری کردن مقدمات ازدواج توسط خانواده عروس و داماد، صبح یکشنبه در کنار رودخانه در حضور روحانی تعمید می‌کنند (شیرالی، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۲).

مشاغل صابئین در اهواز

در اهواز مندائیان میان مردم به داشتن صنعت طلاسازی و طلافروشی شهرت دارند و برخی منابع وقتی به مدخل کسب و کار مندائیان می‌رسند نوعاً شغل غالب اینان را طلافروشی معرفی می‌کنند. البته این سخن در دوران ما تا حدود زیادی درست است. در خصوص تاریخچه صنعت و شغل صابئین، کمتر میتوان سابقه‌یی از این سخن در نوشته‌های پیرامون صابئین در باب کسب و کار مندائیان پیدا کرد. میرزا عبدالغفار نجم‌الملک در سفرنامه خود هنگامی که از صابئین صحبت می‌کند می‌گوید:

صنعت حویزه خدادی است و زرگری و نجاری بلم و ساختن دهنه و رکاب معروف، ولی این صنعت حال مخصوص است به طایفه صابی که قریب پنجاه خانوار متفرق در حویزه هستند و در سایر آبادیهای خوزستان از این ملت دیده می‌شود و در شوشتر و دزفول و فلاحیه و در رامهرمز و محمره و دهات صنعت آنها غالباً زرگری است، در عماره عثمانی هم زیاد هستند که از خوزستان رفته‌اند. در جای دیگر از این ملت دیده نشده است. صابئین خوزستان مجموعاً می‌رسند به دویست خانوار (نجم‌الملک، ۱۳۸۵: ۴۴).

بنظر میرسد زرگری در تمام خوزستان شیوع دارد، حتی در دهات و کپرهای فقرا و عمده برای ساختن گوشواره و آویز بینی و طوق گردن و خلخال که فقیر و غنی استفاده می‌کنند و زرگرها در اینجا همه صابی است که پیش از اسلام بوده‌اند و هنوز آثاری از آنها در آن مناطق باقی مانده است (همان: ۶۶-۶۳).

صابئین در متون تاریخی مسلمانان

با وجود اینکه در کتب تاریخی ذکر صابئین قدیم آمده است، متأسفانه در هیچیک از منابع تاریخی که در دست است، ذکری از صابئین عهد پیامبر اسلام نیامده و حلقه اتصال صابئین عهد باستان با صابئین عهد عباسیان در کتب تاریخی مفقود است و با وجود اینکه واژه صابئین سه بار

در قرآن ذکر شده، در کتبی نیست که سخن از صابئین عصر پیامبر و اینکه آنها کجا بودند و چه عکس‌العملی در برابر اسلام داشتند، به میان آمده باشد و صابئین در این برهه از تاریخ اسلام بکلی گم هستند (جعفری، ۱۳۷۴: ۴۲). واژه «صابئی» به خروج از دین گفته میشود و از اینرو میبینیم در آن زمان هم پیامبر اسلام و هم کسانی که به آن حضرت میپیوندند به صابئی بودن متهم شده‌اند. در این زمینه میتوان به این نمونه اشاره کرد که عمر بن خطاب پیش از آنکه اظهار اسلام کند روزی شمشیر بدست برای کشتن پیامبر اسلام عازم شد، در بین راه از او پرسید: ای عمر کجا میروی؟ گفت: «ارید محمدا هذا الصابئی الذی فرق قریش...»؛ یعنی محمد این مرد صابئی را اراده کرده‌ام که میان قریش تفرقه انداخته است (ابن هشام، ۱۹۳۶: ۱/۳۸۶).

ابوالحسن اشعری صاحب کتاب مقالات‌الاسلامین درباره صابئین میگوید:

بعضی گمان کرده‌اند خداوند تبارک و تعالی بزودی پیامبری از غیر عرب برخوهد انگیخت و بر او کتابی از آسمان نازل خواهد کرد و آن کتاب در آسمان نوشته شده است و بصورت کامل و یکدفعه بر او فرستاد میشود. در اینصورت دین محمد (ص) رها گشته، مردم به شریعت دیگری روی خواهند آورد. گمان بر این است که پیروان آن نبی صابئین هستند و امروزه عده‌یی از مردم بر آن عقیده‌اند. این صابئین نیستند که در قرآن از آنان نام برده شده است (اشعری، ۱۳۶۹: ۱۰۴-۱۰۳).

طبرسی نیز بر این باور است که چون پیامبر و اصحابش از آداب کفرآمیز اعراب روی گردان شدند، از سوی برخی از اعراب «صابئی یا الصابئون» خوانده شدند (طبرسی، ۱۴۰۴: ۱/۲۸۱). مسعودی صاحب کتاب مروج‌الذهب بیشتر در مورد صابئین صحبت کرده و آنها را به دو دسته حزانها و کیماریین تقسیم نموده است که تعریف روشنی از کیماریین ارائه نمیدهد (مسعودی، بی‌تا: ۴۲۲). ابن ندیم در الفهرست از کسانی نام میبرد که به مغتسله و صابئه البطائح معروف هستند.

او میگوید: «المغتسله هولاء القوم کثیرون بنواحی البطائح و هم صابئه البطائح»؛ یعنی شویندگان اقوامی هستند که در نواحی بطائح بسیارند و به صابئه معروفند (ابن ندیم، ۱۹۹۴: ۴۱۴). ابن درید در مورد صابئین گفته است: «صابئین» مأخوذ از «صبأ» مییاشد و بمعنی کسی است که از دین خارج شده و دین دیگری را اختیار کرده است (ابن درید، ۱۹۸۷: ۱۲۰۳-۱۲۰۴).

طبری در تفسیر خود در مورد ماهیت صابئین، اقوال مختلفی را بیان کرده و میگوید: «الصابئون دین من ادیان کانوا بجزیره الموصل یقولون لا اله الا الله و لم یؤمنوا برسول الله»؛ صابئین دینی از ادیان هستند که در جزیره موصل عراق ساکن هستند و به خدای واحد اقرار دارند و به پیامبر

اسلام ایمان ندارند (طبری، ۱۴۰۷: ۳۱۹). به هر حال بنظر میرسد که سخنان عالمان مسلمان درباره صابئین تنها اشاره‌ی کوتاه و پراکنده درباره محل سکونت، قبله آنان و کتب و پیامبر صابئین می‌باشد.

نتیجه‌گیری

قوم صابئین یکی از اقوامی هستند که بیش از دو هزار سال پیش به ایران مهاجرت کردند و در واقع پیشینه حضور آنان در ایران آنچنان طولانی است که کسی در ایرانی بودن آنان شکی ندارد. صابئین مندائی که در زبان عامیانه امروزی صبی خوانده میشوند، پیروان یحیی پیامبر هستند و نام آنان در قرآن کریم ذکر شده و این قوم جزء اهل کتاب محسوب میشوند. آنان یکتاپرست هستند و آداب و مناسک و عبادت‌های خاصی دارند. صابئین واقعی که ما امروزه آنان را با نام مندائیان یا صابئین مندائی می‌شناسیم، خاستگاه اصلیشان در اورشلیم بوده است که توسط بخت‌النصر به بین‌النهرین کوچانده شدند و از آن زمان تا کنون در کنار رودخانه‌های پر آب عراق و بعد از مهاجرت نیمی از آنان به ایران، در اهواز و دیگر مناطق خوزستان ساکن هستند. مندائیان بدلیل وابستگی که به آب دارند و رکن اساسی دین آنان یعنی تعمید که باید در آب جاری انجام شود، همیشه در کنار رودخانه‌ها و آب‌های جاری زندگی میکنند. بنظر میرسد شهر اهواز که در واقع میتوان گفت بعلت دارا بودن منابع آبی مثل رودخانه کارون بعنوان مرکز حضور روحانیون و مکانی که بیشترین جمعیت صابئین را در خود جای داده، مرکز توجه سایر پیروان این قوم بوده است. با این حال در سایر شهرها همچون ماهشهر و سربندر نیز میتوان پراکندگی این قوم را مشاهده کرد. صابئین همچون سایر مردم اهواز به زبان عربی و فارسی صحبت میکنند و از نظر پوشاک هم مانند سایر مردم لباس میپوشند و از لحاظ ظاهری تفاوت چندانی با دیگران ندارند. مندائیان معتقد به خدا هستند و معاد و دنیای پس از مرگ را باور دارند و هیچگونه شرک و بت‌پرستی در اعتقادات آنان دیده نمیشود.

اعتقاد به جهان آخرت و مبدأ و معاد در تمامی شعائر آنها بچشم میخورد. مندائیان دارای شعائر و مناسکی هستند که همواره یاد و ذکر خدا و بازگشت بسوی او در انجام این مناسک مشاهده میشود. آنها مردمانی صلح‌دوست و بی‌آزارند که همواره در میان همسایگان خود چون مسلمانان و سایر اقوام قرن‌ها به نیکی زندگی کرده‌اند. هم‌اکنون این قوم در اهواز و عمدتاً در کنار رودخانه کارون مشغول زندگی هستند و شغل اکثر آنان جواهرفروشی یا میناکاری می‌باشد و تعداد آنان به

بیش از پنج هزار نفر تخمین زده شده است. آنها در اهواز انجمنی دارند که سعی در شناخت آداب و رسوم خود به مردم و معاشرت بیشتر با مردم دارد و از سال ۱۳۴۹ به‌طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرده است. صابئین در سالهای اخیر از جانب رهبر انقلاب بعنوان اهل کتاب شناخته شده و مورد احترام بیشتر قرار گرفته‌اند.



مراسم تعمید صابئین



مراسم عید پاک مندائیان در اهواز



مراسم غسل تعمید توسط روحانی در کارون



جمعی از مندائیان در حال آماده شدن برای عبادت

منابع فارسی

- ابن درید، محمد بن حسن؛ *جمهرة اللغة*، حققه الدكتور رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم الملايين، الطبعة الاولى، ۱۹۸۷ م.
- ابن عبری، غریغوریوس: *تاریخ مختصر الدول*، افسست قم: [بی تا].
- ابن ندیم؛ *الفهرست*، محقق ابراهیم رضائی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۹۴ م.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ *الفهرست*، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۳.
- ابوالفداء؛ *المختصر فی اخبار البشر*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۷۵.
- اشعری؛ *مقالات الاسلامیین*، قاهره: مکتب النضه المصریه، طبعه الاولى، ۱۹۵۰ م/ ۱۳۶۹.
- اصفهانی، حمزه؛ *تاریخ سنی ملوک الارض الانبیاء*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- افشار سیستانی، ایرج؛ *آثار باستانی و تاریخی خوزستان*، تهران: انتشارات روزانه، ۱۳۸۰.
- اقتداری، احمد؛ *آثار و بناهای تاریخی خوزستان*، [بی جا]، نشر اشاره، ۱۳۷۵.
- برنجی، سلیم؛ *قوم از یاد رفته*، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- برونر، کریستوفر؛ *تقسیمات جغرافیایی و اداری تاریخ ایران*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد سوم، ۱۳۸۱.
- بیرونی، ابوریحان؛ *آثار الباقیه*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- پورکاظم، کاظم؛ *صابئین یا یادگاران آدم*، اهواز: سرزمین خوز، ۱۳۸۰.
- تقی زاده، حسن؛ *بیست مقاله*، تهران: انتشارات بنگاه کتاب، ۱۳۴۶.
- جعفری، یعقوب؛ *پژوهشی درباره صابئین*، تهران: هجرت، ۱۳۷۴.
- حسنی، عبدالرزاق؛ *الصابئون فی حاضرهم و ماضیهم*، بیروت: الصباعة و النشر، بی تا.
- _____؛ *الصابئه قديما و حديثا*، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۳۵۰.
- خوارزمی، محمد بن احمد؛ *مفاتیح العلوم*، لیدن: [بی تا].
- دراور، لیدی؛ *الصابئه المندائون*، ترجمه غضبان رومی، بغداد: مکتب الاندلس، ۱۹۶۹ م.
- دوبواز، نیلسون؛ *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۳.
- رامیار، محمود؛ «صبیها»، *مجله دانشکده علوم معقول و منقول*، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۷.
- رزم آرا، علی؛ *جغرافیای نظامی ایران*، [بی جا]، ۱۳۳۰.
- رومی، غضبان؛ *الصابئه*، بغداد: مطبعه الامه، ۱۹۸۳ م.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ *کارنامه اسلام*، تهران: شرکت انتشارات، ۱۳۴۸.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف*، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].

- سازمان مدیریت و برنامه خوزستان، طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران چارچوب توسعه نظری خوزستان، [بی‌جا]، ۱۳۶۷.
- سبهانی، روف؛ الصابنه فی ایران، بیروت: المحجه البیه، ۲۰۰۶م.
- شیرالی، عادل؛ صابئین مندائی در ایران، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۹.
- _____؛ صابئین راستین، تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۸۸.
- طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارمکتبه الحیاة للطباعة و النشر، [بی‌تا].
- طبری، جریر بن محمد؛ جامع البیان، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۶ق.
- _____؛ تاریخ الامم و الملوک، بیروت: ۱۴۰۷ق.
- علوی، ابوالمعالی محمد بن حسین؛ بیان الادیان، تصحیح هاشم رضی، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، ۱۳۴۲.
- القرطبی؛ الجامع الاحکام القرآن، بیروت: داراحیاء، ۱۴۰۵ق.
- قفطی، علی بن یوسف؛ تاریخ الحکماء، مصر: مؤسسه الخانجی، ۱۳۷۱.
- ماتسوخ، رودلف؛ «قدیمیترین تاریخ مذهب صبی»، مجله فرهنگ ایران زمین، ۱۳۳۹.
- مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب، افسست قم دالهجره، ۱۴۰۴ق.
- نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار؛ سفرنامه خوزستان، بکوشش سید محمد دبیری سیاقی، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵.
- نوری، یحیی؛ جاهلیت و اسلام، تهران: بنیاد علمی مدرسه الشهداء، ۱۳۶۰.

منابع انگلیسی

- Bailey.H., note on the religious sects mentaion by kartir, *the cambrige history of iran*, new York, vol 3, 1983.
- Desmost, *Stewart*, New Babilan, England,1956.
- Drower,E.S., *the mandaeans of iran and Iraq* gorfias press, 2002.
- Drower.E.S:*mandaic Dictionary*,Oxford,1963.
- Foerster,W., *Gnosis*,Oxford,1974.
- Holy, *Scriptures*, New York, 1970.
- Michel, Nesln, «Baptism»,*The Encyclopaedia of Religion*,ed.Mircea 24, Eliade.vol, 2.New York, 1987.
- Neusner, Jacob, *Religions in atiqity*,.Leiden:Brill, 1982.
- Zotenberg,H., *Bibliothèque national*, paris,1874.